مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال دوم)
شماره۴/ تابستان ۱۳۹۵ / ص۵۰-۴۴

حقوق شهروندی با تاکید بر مردم و فرهنگ

سید روح اله موسوی
کارشناس ارشد فقه و حقوق- سردفتر اسناد رسمی ۲۷۶ اصفهان

نام نویسنده مسئول:
سید روح الله موسوی

چکیده
یک زندگی اجتماعی خوب و در حقیقت زندگی مدینه فاضله از دغدغه های مردم یک جامعه است و این زندگی میسر نمی شود مگر اینکه آن جامعه دارای قوانین و قواعد حقوق شهروندی باشد البته بعد اخلاقی و قواعد آن قدرت کنترل، تدبیر و اجرایی شدن دقیق حقوق شهروندی را ندارد چون ضمانت اجرایی ندارد و از طرفی ممکن است عده ای پایبند به بعد اخلاقی نباشند لذا باید این روابط اجتماعی تحت عنوان قوانین حقوق شهروندی تدوین شود و حقوق همه افراد جامعه در نظر گرفته شود. و یکی از مقسمات حقوق اساسی را می توان همین تدوین و اجرای حقوق شهروندی دانست و برای بهتر اجرا شدن حقوق شهروندی عواملی چون فرهنگ جامعه و اطلاع یا بی اطلاعی از حقوق خود در رابطه با زندگی اجتماعی و حقوقی بسیار موثر است و این می تواند آنها را با توجه به اینکه دارای عقاید مختلف و عملکردهای گوناگون دارند به یک شکل متحدالرویه تبدیل کند. بنابراین این ضمانت سلامت جامعه و همگرایی است. و حقوق اجتماعی افراد یک منزلت انسانی است که با قدرت و منابع در جامعه و توزیع آن ارتباط دارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ- حقوق شهروندی- جامعه- زندگی

مقدمه

یک زندگی اجتماعی انسانی موقعی شکل می گیرد که افراد آن جامعه تابع قوانین موضوعه ای که خودشان تدوین کرده اند پایبند باشند و از همین جا اختلاف بین زندگی انسان ها و حیوانات معلوم می گردد چه آنکه حیوانات اگر هم زندگی اجتماعی داشته باشند ، تابع قوانین نیستند. و این انسان ها نیازهای خود را تحت فرهنگی که می پسندند برطرف می کنند بدین ترتیب انسان بر مبنای ارزش های فرهنگی مقام خود و دیگران و معنی خیرو شر و ... حق و باطل را معین می کند. مثل زمانی که ساعت مچی یا یقه پیراهن های انگلیسی در اوائل انقلاب حرام تلقی می شد. بعداً در اثر پذیرفتن جامعه و عواملی که دخیل بودند جایز شمرده شد. پس عادت و رفتاری که زمانی زشت و ناپسند بوده در صورتی که فرهنگ جامعه آن را بپذیرد زشتی آن از بین می رود و عکس آن نیز صادق است. فرهنگ و اعتقادات جامعه منشا پیدایش ارزش ها و نگرش های گوناگون انسان می باشند و این فرهنگ خود باعث کنترل روابط اجتماعی می شود. در زندگی اجتماعی در هر شکل آن (شهری- روستایی و ...) یک سری قواعدی وجود دارد و دوام و ثبات زندگی اجتماعی مشروط بر این است که افراد مسئولیت پذیر باشند و نگاه آنها نگاه مدنی باشد. انسان در ارتباط با محیط اجتماعی خود اعم از انسان های دیگر و ساخت ها و نهادهای عمومی دارای شرایط مکمل دو وجهی می باشد. انسان مسئول و انسان دارای حقوق معین این تصور از انسان به عنوان موجودی که در قبال جامعه خود دارای مسئولیت ها و حقوق و امتیازاتی می باشد مفهوم ویژه ای موسوم به شهروند را پدیدار آورد. (کاظمی، ۱۳۸۰)

حقوق شهروندی به ویژه در بعد سیاسی اش مشارکت برای سازماندهی اجتماعی است که فرد در آن زندگی می کند و شامل مجموعه ای از حقوق خصوصی و عمومی است که روابط اجتماعی را شکل می دهد (چاندوک، ۱۳۷۷) نگاه بشر به وضعیت حقوق شهروندی به لحاظ نظری و عملی به دوران یونان و روم (دوران باستان) برمی گردد. اما تحول اساسی آن در رشدش از دوران جدیدی آغاز شده در سال های اخیر افزایش یافته و در کشورهای در حال توسعه مفهومی نو محسوب می شود. (ربانی، ۱۳۸۵)

۱- تعاریف و مفاهیم

۱- مفهوم شهروند: در لغت به معنای اهل شهر یا کشور است و در اصطلاح به عموم ساکنان یک شهر یا دارای تابعیت یک کشور اطلاق می شود که از حقوق شهروندی (حق دادرسی- حق ترویج- حق مالکیت و ...) برخوردار باشند. شهروندی مفهومی فرهنگی است یعنی بر خلاق مفهوم بشر که هر شخص بر اساس حق «زیستن» طبیعتاً از حقوقی برخوردار است در مفهوم شهروندی حق اشخاص بر اساس آگاهی آنان است و در مقابل هر حقی تکلیفی نیز وجود دارد. شهروند با حساسیت داشتن نسبت به جامعه خود دارای ویژگی های مهمی چون نقاد بودن، احساس مسئولیت نسبت به دولت، جامعه و سایر شهروندان، فعال بودن در اداره امور و نظارت بر امور تصمیم گیری و اجرای آنهاست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸)

در واژه شناسی حقوقی، شهروند فردی است در ارتباط با یک دولت که از سویی حقوق سیاسی و مدنی دارد و از سوی دیگر در برابردولت تکلیف هایی بر عهده دارد این رابطه را شهروندی می گویند. حقوق شهروندان و تکالیف آنان را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور تعیین می کند. از سوی دیگر شهروندی منزلتی است برای افراد در ارتباط با دولت که در حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می شود. دولت نیز حقوق فطری، طبیعی و قانونی شهروندان را رعایت و از آنان حمایت می کند. (شکری، ۱۳۸۷)

بنابراین: شهروند مقوله ای است مرتبط با نحوه عملکرد به نحوی که آنها قادر باشند در یک جامعه دموکراتیک محیط خود و محیط اجتماعی سایرین رابه نحو مثبت و بارزی متاثر سازند. به عبارتی مجموعه ای از ارتباطات عمدی مردمی است که می خواهند از حالت طبیعی یعنی حالتی که زندگی به صورت منزوی فقیرانه و حیوانی جریان دارد اجتناب کنند از این رو شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقاء رفاه و امنیت در سطح جامعه است.

۲- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با موسسات عمومی مانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی و ... بنابراین این اصطلاح معنای اعم از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی دارد. (شکری، ۱۳۸۷)

اگر بر مبنای تقسیم بندی مارشال شهروندی را شامل ۳ بخش حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی بدانیم. (گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۰) آنگاه افراد متناسب با هر یک از این حقوق هویت های مدنی، سیاسی و اجتماعی نیز خواهند داشت که مجموعه آن ها هویت کامل شهروندی را می سازند. در واقع هدف هر فرد، از آنجا که انسان عضوی از ملت است حقوق مدنی دارد و از آنجا که عضو یک واحد سیاسی مشخص دارای حقوق سیاسی و به عنوان عضوی از اجتماع دارای حقوق اجتماعی خاصی مانند حق بهره مندی از حداقل امکانات رفاهی، تامین اجتماعی،

حق داشتن مسکن و ... است و هویت اجتماعی او در سایه بهره مندی از این حقوق و نیز مشارکت آزاد و داوطلبانه در نهادهای مدنی قوام می یابد.(نجاتی حسینی، ۱۳۸۰)

واژه حقوق دلالت بر روابط شهرنشینان با یکدیگر و رابطه آنها با دولت دارد واژه حقوق به معنی جمع حق نیست بلکه باید آن را حقوق و تکالیف مردم در قبال یکدیگر و در برابر دولت حاکم دانست (السان، ۱۳۸۳)

شهروندی به مثابه فرایند اجتماعی و سیاسی از قرن نوزدهم در جوامع مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به طور همزمان با مساله عضویت در دولت ها – ملت ها از مباحث مهم اجتماعی و سیاسی شده است (عاملی، ۱۳۸۰). شهروندی تقریباً جذابیت عمومی دارد چون که شهروندی هر دو عنصر فردگرایانه و جمع گرایانه را در خود دارد. (فالکس، ۱۳۸۱)

۳- تعاریف و مفاهیم

۱- ۳- تعریف و مفهوم فرهنگ

واژه فرهنگ یکی از پراستفاده ترین واژه ها در زندگی است گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی به روش های متفاوت از این واژه استفاده می کنند.

در لغت فرهنگ مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» از ریشه «تنگ» اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن می باشد. همچنین به معنی فرهیخ است که علم و دانش است (دهخدا، ۱۳۲۸) فرهنگ به معنی ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه ای از علوم و هنرهای یک قوم است (معین، ۱۳۷۱)

فرهنگ یکی از دوسه واژه پیچیده ای است که در زبان انگلیسی وجود دارند چرا که این واژه باید در چندین و چند رشته فکری و در نظام های متعدد و متمایز برای تبیین مفاهیمی مهم مورد استفاده قرار گیرد. فرهنگ عبارت است از کلی ترین بینش، نگرشی که یک جامعه به جهان دارد این بینش و نگرش همان معنایی است که آن جامعه برای هستی و انسان قائل است و به اندازه کلی و جهان مشمول است که همه ارزش و روش های فرد و اجتماع را در برمی گیرد. (حداد عادل، ۱۳۷۴)

فرهنگ عبارت است از ارزش هایی که یک گروه معین دارند هنجارهایی که از آن پیروی می کنند و یا فرهنگ به شیوه زندگی اعضای یک جامعه معین عادات و رسوم آنها همراه با کالاهای مادی که تولید می کنند مربوط می شود. (گیدنز، ۱۳۸۳)

۳-۲- رابط مردم و فرهنگ

فرهنگ مجموعه ای پیچیده از معارف اعتقادات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، عادت ها ... روابط و ضوابطی است که فرد آن را از جامعه خود فرا می گیرد و در برابر آن تعهداتی دارد نظام فرهنگی به عنوان مجموعه پیچیده و به هم پیوسته ای از عناصر فرهنگی یکی از عوامل مهم شکل دهنده رفتارهای انسانی است. فرهنگ در عین حال کیفیت روابط افراد جامعه خود را تنظیم می کند.

و این فرهنگ جنبه تاریخی ندارد بلکه جنبه عملکردی دارد و با حال دارای ارتباط حیاتی است. فرهنگ گرچه خط مشی کلی برای رفتار فراهم می سازد اما مجال هایی نیز وجود دارد که انسان ها خلاقیت، تخیل و آمادگی ساختن و درست کردن چیزها را باید از خود بروز دهند.

۳-۳- رابطه مردم و شهروندی

فرهنگ شهروندی در جوامع انسانی در بعد مادی و معنوی با توجه به کارکردها معانی متفاوتی به خود گرفته است. فرهنگ شهروندی مانند سایر عناصر فرهنگ با توجه به موقعیت کارکرد یا وظیفه اجتماعی که بر آن محول شده باید بررسی گردد. در واقع هنگامی که از یک عنصر در فرهنگ یک جامعه در زبان عام صحبت می کنیم این مساله لزوماً نه مثبت است و نه منفی. بلکه بیشتر باید به ساز و کارها و شرایط شکل گیری و تحول، زوال و نابودی آن تاکید کنیم. پس هنگامی که صحبت از فرهنگ شهروندی می شود بیشتر به نوعی رابطه آن را با سایر پدیده های فرهنگی و اجتماعی می سنجیم.

شهروندی یعنی روابط قراردادی میان آنها می تواند این حسن را دربرداشته باشد که تعدادی از مردم متوجه مباحث مطرح شده بشوند و بتوانند با توصیه هایی که برای مثال در زمینه های اخلاقی یا حتی رعایت حقوق و استفاده درست از فناوری های شهری می شود خود را منطبق کنند. (فکوهی، ۱۳۸۷)

در فرهنگ شهروندی با مجموعه ای از هنجارها و ارزش هایی روبرو شده که انعطاف پذیری بسیار دارند این امر ناشی از وجود تفاوت ها و تنوعات فرهنگ شهری یا خرده فرهنگ های شهری شکل می گیرد. شهروندی فرهنگی به مشارکت فرهنگی افراد در جامعه ربط دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه خود را مسئول بدانند و در گسترش آن مشارکت کنند (تقی زاده، ۱۲۸۴)

از این جا لازم است که از عناصر هدایت شهروندی نیز بحثی شود. طبق نظر کانت شهروندی عبارت است از توانایی و استعداد دادن اما کسی در جامعه مستقل است که فقط جزیی از جامعه مشترک المنافع نباشد بلکه عضوی از آن باشد یعنی جزیی که می خواهد بر اساس گزینش خود در جامعه عمل کند . (کانت، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰)

وی سپس بین مفهوم شهروند فعال و منفعل تمییز قائل می شود و حتی شهروندان منفعل را فاقد شخصیت مدنی می داند. از گفته های کانت می توان دریافت که شهروند به مفهوم خاص نمودار عضویت و فعالیت مشخص دارد که در امور سیاسی اجتماعی اقتصادی و اداره شهر خویش مشارکت کند. بر این اساس هویت شهروندی از سه عنصر مکمل و جدایی ناپذیر تشکیل شده است که عبارتند از حقوق، تکالیف و مشارکت مدنی. (توکلی، ۱۳۸۰)

واژه حقوق دلالت بر روابط شهرنشینان با یکدیگر و رابط آنها با دولت دارد واژه حقوق به معنی حج نیست بلکه باید آن را حقوق و تکالیف مردم در قبال یکدیگر و در برابر دولت حاکم دانست. (السان، ۱۳۸۳)

بنابراین داشتن حقوق بدون تکالیف متقابل ممکن نیست بلکه این حقوق اگر مطالبه نشود و به راحتی به اجرا در نیایند هیچ معنا و سودی نخواهد داشت. از این رو تلاش برای محترم شمردن حقوق فردی از جمله وظایف هر شهروند است.

۳-۴- رابطه فرهنگ شهروندی و آموزش

عوامل متعددی شامل خانواده، مدرسه، رسانه های همگانی و نهادهای قانونی و مدنی در اجتماعی شدن افراد جامعه نقش دارند این عوامل از طریق فرایند جامعه پذیری به تکامل فردی و اجتماعی افراد و در نهایت تکامل و توسعه اجتماعی جامعه یاری می رسانند. رابطه بین آموزش و فرهنگ شهروندی در زمینه ابعاد و نیازهای مختلف زندگی انسانی معنا می یابد. هر انسانی سلسله مراتبی از نیازها دارد که در سلسله مراتب نیازهایی به آن پرداخته شده است.

هر چه جامعه در سطوح بالاتر از توسعه باشد نیازهای آن متکامل تر و سطح بالاتر است در این میان چگونگی نهادها و فعالیت هایی که نیازهای تنوع انسان ها را برآورده می سازند اهمیت بنیادی دارند. آموزش فرهنگ شهروندی افراد جامعه را از حقوق و مسئولیت های مدنی شان آگاه خواهد ساخت این فرایند هزینه های وارده بر جامعه را که ناشی از ناآگاهی نسبت به حقوق و مسئولیت های اجتماعی است کاهش می دهد. رابط بین فرهنگ شهروندی و نظارت همگانی با این تعبیر معنی می یابد که در مفهوم شهروندی هر یک از شهروندان جامعه خود را بخشی از جامعه تلقی می کنند و منافع خود راخارج از منافع جامعه نمی دانند و سود و زیان خویش تلقی می کنند و در قبال آن احساس مسئولیت دارند. (ایمانی جاجرمی ، ۱۳۸۰)

۴- مفهوم جامعه

شهید مطهری جامعه را عبارت از «مجموعه ای از انسان ها می داند که در جبر یک سلسله عقیده ها و ایده ها و آرمان ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه ورند.» (مطهری، ۱۳۷۰) جامعه به وسیع ترین معنا به کل مناسبات اجتماعی میان آدم ها دلالت دارد. جامعه یعنی مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند جامعه را تشکیل می دهند.

۴-۱- رابطه فرهنگ و جامعه

جامعه ای که فرهنگ فعال دارد یعنی برای مشکلات و مسائل افراد جامعه راه حل های ابداع و تلاش های هدفدار را برنامه ریزی و اجرا می کند در واقع جامعه ای است تاریخ مند و از گذشته خود نبریده و از آن بهره مند می شود.

در واقع فرهنگ عبارت است از مجموعه منظمی که دارای اکتسابی خاص هر جامعه برای ارتقا و استمرار فرهنگ باید ارزش ها در وجود افراد جامعه درونی شوند و رفتارهای انسان ها مطابق با هنجارهای جامعه بروز و ظهور یابد.

۴-۲- ساختار جامعه و فرهنگ

جامعه ای که قدرت و اقتدار را به دست سالمندان یاقشر اجتماعی خاصی می سپارد احتمالاً به محافظه کاری گرایش دارد.جامعه ای که به هم شکل کردن افراد اصرار می ورزد کمتر به استقبال تغییر می رود از جمله کارکردهای آموزش و پرورش انتقال فرهنگ است. فرهنگ شاخص نموده و روش زندگی است که هر جامعه برای رفع نیازهای اساسی خود از حیث دوام و بقاء اختیار می کند. فرهنگ هر قوم روش و خصوصیات ویژه ای دارد که در اثر زندگی افراد در طول سال ها به وجود آمده شکل گرفته و از طریق آموزش و پرورش از نسلی به نسل بعد منتقل می گردد. بدین ترتیب هر جامعه ای تلاش می کند افراد خود را به گونه خاص و متناسب با فرهنگ خود آموزش و پرورش دهد.

لازم است در مورد جامعه مدنی نیز عنوانی بیان شود مفهوم و معنای جامعه مدنی در برگیرنده گروهها، دسته ها و انجمن ها نهادها و تشکل هایی است که به منظور بررسی و نقد مسئولیت پیذری دولت شکل نی گیرد. بنابراین جامعه مدنی در معنای کنونی نه بخشی از دولت است که برای احقاق حقوق تلاش می کند بلکه به مثابه نهادهایی خارج از ساختار دولت است که در صدر بازستادن حقوق اولیه ی شهروندی از دولت است.

نتیجه گیری

بررسی و مطالعه گزاره هایی که در مورد فرهنگ شهروندی اعم از آموزش های رسمی و غیر رسمی انجام شده نشان می دهد که بستر و زمینه های روش شناختی و معرفت شناختی آموزش های اجتماعی کمتر مورد توجه بوده اند. به طوری که در بعضی موارد تعارضاتی و حتی تناقض هایی در متن آموزش عوامل مختلف جامعه پذیری مثل مدارس و خانواده ها ... وجود دارد. لذا برای اثر گذاری آموزش های حقوق شهروندی باید کارگزاران با مبانی معرفتی و الزامات آن آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند در درونی سازی و نهادینه سازی فرهنگ و حقوق شهروندی و در نتیجه تقویت ساز و کار نظارت همگانی موثر واقع شوند. باتوجه به آنچه بیان شد شهروندی فعال ناظر به شکل گیری اجتماعات فعال و توامند است و فرایند مشارکت را امری فی نفسه ارزشمند و هدفمند تلقی می کند. و مردم در فرآیند تصمیم گیری ها در زمینه مسائل شهر و محل زندگیشان مشارکت داشته باشند و واقف بر حقوق شهروندی باشند.

منابع و مراجع

[۱] السان ، م ، ۱۳۸۵، بررسی تاثیرات رعایت حقوق شهروندی بر توسعه پایدار تهران نشر نی

[۲] ایمانی جاجرمی، ح ، ۱۳۸۰، سرمایه اجتماعی ئ ندیریت شهری فصل نامه مدیریت شهری، ش ۷، صص۴۵-۳۴

[۳] جعفری لنگرودی، م . ج ، ۱۳۶۸، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران نشر گنج دانش

[۴] حداد عادل، غ .ع ، ۱۳۷۴؛ فرهنگ برهنگی، تهران، انتشارات سروش

[۵] دهخدا، ع .ا ، ۱۳۲۸، لغت نامه دهخدا، انتشارات سروش

[۶] شکری، خ و دیگران، ۱۳۸۷، مبانی نظری و مجموعه پودمان و آموزش دوره های بهبود مدیریت موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برننامه ریزی

[۷] عاملی، س ، ۱۳۸۰، تعامل جهانی شدن شهروندی و دین فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۱۸

[۸] فلکس کیت، ۱۳۸۱، شهروندی ترجمه دا فروز، محمد تقی، تهران، انتشارات نشر کویر

[۹] کاظمی، ع .ا ، ۱۳۸۰، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، تهران، نشر قومی

[۱۰] گیدنز آنتونی ، ۱۳۸۳، جامعه شناس ترجمه منوچهر صبور، تهران، نشر نی

[۱۱] معین، م ، ۱۳۷۱، فرهنگ معین، ج ۲، چاپ هفتم، تهران، انشارات سپهر

[۱۲] مطهری، م ، ۱۳۷۱، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا

[۱۳] نجاتی چینی، م ، ۱۳۸۰، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، ایران، تهران، انتشارات سازمان شهرداری های کشور